

همشهری

■ حضرت امیر المؤمنین علی:

ارزش هیچ عبادتی به قدر تفکر در آثار صنع خداوند نیست.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۴ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۱
■ اذان غروب: ۱۷:۱۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۰
■ اذان صبح فردا: ۵:۲۰ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۵۹

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

■ مدیر مسئول: عبدالله گنجی

■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی:

تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:

موسسه نشر گستر امروز نیون

تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری

تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (مج)، کوچه شهید سیدکمال قرینی، شماره ۱۴

■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-۱۹۶۶۶-۱۹۶۶۶

■ تلفن: ۲۳۰۳۰۰۰، ۲۳۰۶۰۰۰، ۲۳۰۶۰۰۰

صفحه آخر

به دام زلف تو دل مبتلای خویشتن است
بکش به غمزه که اینش سزای خویشتن است

حافظ

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir

■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

تقویم / سالمرگ

نابغه موسیقی که صدایش مثل هیچ کس نبود



«آن زمان ها خوشحال بودیم و شادی می کردیم که ظهر در جایی مهمان هستیم که تاج در آنجا حضور دارد. و این شب را شب شادی می دانستیم، چرا که همراه او بودیم و از صدایش لذت می بردیم- صدایی که به واقع از جنس دیگری بود. همه می خواندند اما صدای تاج صدای دیگری بود و این خواست خداست. هنر مند باید سیمش به سیم ازلی وصل باشد.»

اینهارا استاد حسن کسایی، نوازنده بزرگ نی می گوید. در زمانی که جلال الدین تساج اصفهانی در قید حیات بود، خواننده های مختلفی در رادیو برنامه اجرا می کردند؛ چهره هایی که با روزنامه ها و مجله های بسیاری در ارتباط بودند و میل زیادی به مطرح شدن داشتند. با این همه امروز نه اسمی از آنها هست و نه بادی. تاج از تباط زیادی با مدیران روزنامه ها و تلویزیون و رادیو نداشت. حتی در زمانی هم که رادیو نبود، از صدای او صفحه ای ضبط نشد. با این حال، هنرش او را زنده نگه داشت. آوازهای تاج یادگار ازنده ای است از مکتب ابودیم سیدجلال از همان اوایل به خاطر ذوق موسیقایی و علاقه ای که نسبت به ادبیات فارسی داشت. در مناسبت های گوناگون، شعری را انتخاب می کرد و لب به آواز می گشود. نخستین مربی او پدرش بود و بعدها در مکتب سیدعبدالرحیم اصفهانی، مکتب حبیب و مکتب عبدالحسین سقر پرورش یافت. البته همراه با خانواده ای که همواره مشوق او بودند. مجموعه ای عوامل و نبوغ باطنی او به همراه صدای منحصر به فردش، خیلی زود او را به چهره ای بی مانند تبدیل کرد. البته منش نیک و بزرگواری اش هم در این امر، بی تأثیر نبود. تاج، گنجینه و حافظ تمامی پرده ها، مقامات و گوشه های موسیقی مقامی ایرانی بود. از شاگردان شناخته شده تاج، می توان از مرتضی شریف احمد مراتب، حسین شازیدی و علیرضا افتخاری نام برد. از مشهورترین آثار جلال الدین تاج اصفهانی صفحه آواز هماون است که در حدود ۱۳۱۲ در تهران ضبط شد. این اثر، دهه های متوالی از شهرت و محبوبیت برخوردار بود و از آثار معیار در بررسی مکتب آواز اصفهان است. علی تجویدی از نوازندگان ویلن درباره تاج اصفهانی گفته است: «بر راستی تاج اصفهانی از جمله چهره های درخشان عالم هنر و خوانندگی است که شاید سالیان دراز مادر دهر چنان فرزندی نزیاد. تاج اصفهانی صرف نظر از هنر و هنرمندی واجد شرایط صفات برجسته ای بود. از مکارم اخلاقی، مناعت طبع، بزرگ منشی و وارستگی گرفته تا ظرافت طبع و خوش صحبتی همه دست به دست هم داده و از تاج انسانی نمونه به وجود آوردند تا جایی که هیچ کس پیدا نمی شود که او را دیده باشد و شقیته اش نشود». تاج در پاماده ۱۳ آذر ۱۳۶۰ در سن ۷۸ سالگی در منزل پدری به علت کپهولت سن و بیماری درگذشت و در تکیه سیدالاعرابین در تخته پولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

خیمه مرگ بر سر لندن



در نتیجه آن، لندن عملاً تعطیل شد و تنفس هوا، حتی در فضاهای داخلی و بسته هم خفه کننده بود. دید در بخش هایی از شهر، عملاً نزدیک به صفر رسیده و فضای شهر کاملاً آخر الزمانی شده بود. حمل و نقل، مختل شده بود و آمبولانس ها، نمی توانستند در خیابان های شلوغ حرکت کنند. مردمی که می خواستند خودشان را به بیمارستان برسانند، خودروهایشان را در خیابان رها می کردند. اوضاع چنان بود که حتی یک گله گاو هم در اطراف لندن به خاطر استنشاق این هوا خفه شدند. لندن، عملاً در برابر آلودگی بی دفاع و فلج شده بود. این وضعیت، به یک شمرساری ملی تبدیل شد و مسئله آلودگی را، که به بخشی از زندگی همیشگی و روزمره مردم در لندن تبدیل شده بود، به یک بحران

لندنی ها، وقتی در چنین روزی در سال ۱۹۵۲ از خانه هایشان خارج شدند، چیز عجیبی دیدند. آسمان هوای لندن، از همیشه غلیظ تر شده بود. آنها سال ها بود که با چنین آلودگی در لندن زندگی می کنند و به شوخی به آن سوپ می گفتند اما چیزی که در آن روز می دیدند، با همه هوار پیشین فرق داشت. بعدها، تاریخ هم ثابت کرد که آن آلودگی هوا، با همه چیزهایی که بعد و قبلش بوده متفاوت بود. مه دود عظیم لندن، در شروز آینده، چنان پایتخت انگلیس را تیره و تار کرد که مردم فاصله نزدیک خود را نمی دیدند و پلیس ها بسر چهارراه ها، مشعل به دست گرفته بودند. این مه دود، ارمان مرگ برای لندنی ها بود و در شروز، جان ۴ هزار نفر را گرفت و برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر، مشکلات جسمانی ایجاد کرد.

لندنی ها در آن سال ها، با آلودگی غریبه نبودند و از قرن نوزدهم، با این توده غلیظ و زرد رنگ زندگی می کردند، اما این مورد خاص، نتیجه ترکیب آلاینده های صنعتی و یک شرایط جوی کفشار بود.



عاقبت فضولی مجرم فراری



اصل همیشگی برای فراری ها این است تا آنجا که می توانند، مخفی بمانند و کاری نکنند که خودشان را لو بدهند. این دقیقاً کاری است که یک مجرم فراری آمریکا انجام داده. او نه تنها هویت خود را پنهان نکرده، که با کلاترستر منطقه هم کل کل کرده و برایش کری خوانده است و خب نتیجه هم مشخص است؛ دستگیری مجرم فراری. این مرد آمریکایی، با مراجعه به صفحه سر کلاتر جورجیا در آمریکا، برای پز دادن نوشته بود که چرا نامش در لیست فراری های تحت تعقیب نیست. این شوخی او، باعث شد تا پلیس به پرونده او مراجعه کند و متوجه شود که واقعاً این فرد را در لیست جا انداخته، چون او دو حکم جلب دارد. پلیس، بلافاصله با سرعت وارد عمل شد و بعد از پیدا کردن موقعیت این مرد، او را دستگیر کرد. بعد از دستگیری، پلیس در صفحه خود از این مرد به خاطر اینکه یادآوری کرده بود باید بازداشت شود، تشکر کرد است.

ماهی در شن های صحرا



صحراهای عربستان به خاطر شنزارهای بی کران خود معروف هستند اما همین چشم اندازهای تکراری، می توانند جلوه ای از اعجاب طبیعت باشند. اخیراً، بر آمدن یک صخره در صحراهای عربستان به شکل ماهی بزرگ، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این صخره، به صورت اتفاقی توسط یک عکاس دیده و ثبت شده است. خالد العززی، که عکاس و مستندساز است، در یک منطقه باستانی در منطقه الاولا با استفاده از یک پهپاد، فیلمبرداری می کرد که شمایل یک صخره توجعش را جلب کرد. او پهپادش را بالای این صخره برد و در، در کمال تعجب دید که شکل آن، کاملاً شبیه یک ماهی بزرگ در حال شنا در آب است. او گفته است که احتمالاً قبل از او هم افرادی این صخره را دیده اند اما تصویربرداری با پهپاد باعث شده این شمایل ماهی شکل نمایان شود. این عکاس این صخره را ماهی صحرا نامگذاری کرده است.

مسابقه زیبایی شترها



آنهاهی که برای جام جهانی به قطر رفته اند، متوجه شده اند که در کنار مسابقات پر هیجان فوتبال، یک مسابقه عجیب دیگر هم در جریان است که حساسی طرفداران خود را دارد. نگرانی که در این مسابقه شرکت می کنند، نه فوتبال نیست، که شترهای زیبایی هستند که برای تصاحب عنوان زیباترین شتر دور هم جمع شده اند. البته درشتی این است بگویم صاحبان شان آنها را هم دور هم جمع کرده اند. این مسابقه، در شهری در ۲۵ کیلومتری دوحه برگزار می شود و صدها شتر، از قطر و دیگر کشورهای در آن شرکت کرده اند. این مسابقه، با هدف آشنا کردن مسافران جام جهانی با فرهنگ پرورش و نگهداری شتر، با حمایت دولت قطر برگزار شده است. بر گزار کنندگان این مسابقات کاملاً روحیه رقابتی دارند و تمام تلاش خود را می کنند تا شترش برنده شود. آنها می گویند که به اندازه مربیان جام جهانی نگران هستند و صاحب کوپتی یکی از شترها، به شوخی گفته است که فکر می کند شترش از مسی و رونالدو هم بهتر است. بر گزار مسابقه هم جدی است و یک تیم پزشکی، شترها را بررسی می کند تا مطمئن شود از بوتاکس و دیگر روش های مصنوعی برای زیبایی استفاده نکرده باشد. سال گذشته، شترهای زیادی به همین خاطر از یک مسابقه در عربستان اخراج شدند. برندگان، علاوه بر جام، حدود ۰ هزار دلار جایزه می گیرند.

اسلام وزن، زندگی، آزادی

سیدمحمدرضا و ادبی سیاسی و احساسی نگاه

کنیم، می بینیم که این شعار در فرهنگ اسلامی، چیز جدیدی نیست و مطالبه آن، تحصیل حاصل است؛ چراکه اسلام از دیرباز، زندگی و آزادی زن را تضمین کرده است. مقایسه ای کوتاه بین اسلام و نگاه های مکاتب مختلف بشری به مقوله زن، ما را به این حقیقت می رساند. این مقال با استفاده از آثار استاد شهید مرتضی مطهری به این مبحث می پردازیم. در بعضی از منابع دینی آمده است که زن از ماهی ای پست تر از جنس مرد آفریده شد و جنبه طفیلی دارد و برای کلمجویی مردان به وجود آمد؛ است؛ اما قرآن کریم وقتی به موضوع خلقت می پردازد، در درجه اول به سرشت زن و مرد اشاره می کند و به صراحت می فرماید که زن را از همان جنس مرد و حوا را از سرشت آدم آفریدیم.

گفته اند زن، عنصر گناه و شیطان کوچک است که از وجود او شر و وسوسه برمی خیزد و هر جنایتی که صورت بگیرد حتی اگر توسط مردان باشد، ریشه در حضور یک زن دارد؛ چراکه شیطان مستقیم در وجود مرد، راه نمی یابد و تنها از طریق زنان، مبادرت به این کار می کند. در ابتدای خلقت هم شیطان، اول حوا را فریفت و بعد آدم را از راه حوا اغوا کرد. اما منطق قرآن این نیست. قرآن می فرماید:

شیطان، آن دو را وسوسه کرد و آن دو را لغزاند و آن دو فریفت و برای آن دو قسم یاد کرد که من خیر خواه شما هستم.

دقت کنیم که در همه این موارد و در آیات دیگر نیز از ضمیر تنثیه استفاده می کند و نشان می دهد که شیطان همزمان با هر دو سخن می گفته و اینطور نبوده که حوا را گول بزند تا از طریق حوا در آدم تأثیر بگذارد. گفته اند چون زن نمی تواند مقامات بلند معنوی و روحانی را طی کند، هرگز به بهشت نمی رود اما قرآن جواب می دهد که این امر، اصلاً مربوط به جنسیت نیست و وصول به مقامات عالی الهی و ملکوتی، بسته به ایمان و عمل صالح است که زن و مرد به طور یکسان می توانند بدان مبادرت کنند؛ آنگاه برای نمونه در کنار هر مرد بزرگ الهی، یک زن بزرگ الهی را مطرح می کند؛ همسر آدم، همسر ابراهیم، مادر موسی، مریم مادر عیسی، همسر فرعون و... در قرآن آمده است که ما به مادر موسی وحی فرستادیم... یا مادر عیسی در محراب عبادت، کلیم و همزمان ملائکه بود و از غیب برایش روزی می رسید، طوری که زکریا پیامبر غبطه خورد و آرزو کرد فرزندی چون او داشته باشد.

یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیز نسبت به زن، این است

که وجود زن ذاتاً شر و پلیدی است؛ مردان در عین اینکه باید از زن، بهره خود را ببرند باید از او پرهیز کنند زیرا مایه بدبختی و گرفتاری است. اما قرآن کریم همسران را مایه سکونت و آرامش دانسته است. در آیین های ریاضت طلبی، رابطه جنسی با زنان را ذاتاً پلیدی می دانند. از نظر آنان تنها کسانی به مقامات بالای معنوی می رسند که از ارتباط جنسی دور باشند. این تفکر، ازدواج را تنها از باب دفع افسد به فاسد روا می داند و معتقد است که چون غالب افراد، قادر به مجرد زیستن نیستند و گرفتار فحشا می شوند، اشکالی ندارد از دواج کنند و گزینه ازدواج چیز مطلوبی نیست. اصل این اندیشه، بدبینی به زن است و محبت زن را جزو مفاسد بزرگ اخلاقی به حساب می آورد؛ در حالی که اسلام، با این نظر، سخت مخالفت می کند و دوست داشتن زنان را جزو اخلاق انبیا می داند و ازدواج را مقدس و تجرد را پلیدی می شمارد.

از دیگر نظرات محقرانه نسبت به زن این است که زن، مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است؛ اما اسلام به صراحت می گوید: زمین و آسمان و آب و باد و گیاه و خورشید و... همه و همه برای انسان –بدون تفاوت در جنسیت – آفریده شده اند؛ نمی گوید زن برای مرد آفریده شده است؛ می گوید هر کدام برای دیگری آفریده شده و موجب پوشش ضعف های یکدیگرند؛ «هن لباس لکم و اتم لباس لهن».

بنابر این اسلام از نظر فلسفی، نگاه تحقیر آمیزی نسبت به زن ندارد و هرچه باعث حقارت مقام زن شود را مردود دانسته و حقوق آنان را نیز با حقوق مردان، مساوی و برابر شمرده است؛ از جمله حق زندگی و آزادی را. اما صحنیتی که غربی ها در مورد تساوی حقوق می کنند، در واقع تشابه است نه تساوی. آنها تفاوت های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده می گیرند و حقوق، تکالیف و مجازات های یکسان برایشان قائل می شوند. نقطه اختلاف ما با آنها دقیقاً همین جاست. اسلام، تساوی را قبول دارد اما آنان تحت عنوان تساوی، دنبال تشابه هستند که اسلام، آن را قبول ندارد و برابری حقوق را غیر از یکنواختی و یک شکلی می داند.

ضمن در نظر گرفتن فرق تشابه و تساوی، باید دانست که از نظر آفرینش، زن و مرد با هم تفاوت دارند. همین موضوع ایجاد می کند که از لحاظ تکالیف، حقوق، مجازات ها و... شرایط مشابهی نداشته باشند. در اروپا قبل از قرن بیستم، زن قانوناً و عملاً فاقد حقوق انسانی بوده؛ اما پس از نزدیک یک قرن، در نهضتی که به نام زن صورت گرفت، به مشابه سازی زن و مرد پرداختند؛ در نتیجه، بر زنان تکالیفی بیشتر از حد طاقت و ظرفیت شان بار شد و اغواگری رسانه ای، آن را معادل تساوی و برابری و آزادی زن دانستند. امیدوارم در مقال بعدی تحت عنوان «غرب وزن، زندگی، آزادی» در این باب، بیشتر صحبت کنیم.

دغدغه

چاق نشو

کسی نمی داند چه حکایتی است که همه خوراکی های خوشمزه، چاق کنندند. هر چه که هست، این خوراکی ها آدم را چاق می کنند و چاقی هم با خودش بیماری های مثل فشار خون و دیابت و کسترول بالا می آورد. شاید برایتان عجیب باشد اما به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران، بیش از ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور چاق هستند که ابتلا به بیماری های غیرواگیر را به شدت افزایش می دهد. آنطور که این مسئول گفته، از سنین کودکی تا سنین میانسالی و کپهول، چاقی سلامت و کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد و منجر به بروز بیماری هایی می شود که طول عمر را کوتاه می کند. در چاقی مفرط تا ۲۰ سال کاهش طول عمر وجود دارد و افرادی که چاقی مفرط دارند باید جراحی شوند. اما همانطور که می دانید، بیشتر چاقی ها مفرط نیست و بازویم غذایی سالم و درست و البته فعالیت بدنی مثل ورزش رفع می شود. این را هم لازم است اضافه کنیم که همه چاقی ها، از خوردن زیاد حاصل نمی شود و چاقی علت های مختلفی می تواند داشته باشد، مثلاً عوامل ژنتیک یا روان شناختی و یا تحرک خیلی کم هم می تواند منجر به چاقی شود. به هر حال باید کردن علت اصلی چاقی بزرگ ترین و کلیدی ترین عامل موفقیت در درمان یا پیشگیری از آن است. به عنوان مثال اگر بدانیم که عادات و سبک زندگی یک شخص، باعث چاق شدنش شده، می توانیم با ایجاد تغییرات مثبت در سبک زندگی به درمان اضافه وزن و چاقی آن فرد کمک کنیم. یا مشکل اصلی شخص، ژنتیک و بیماری است و وزن شخص در کنار سایر علل افزایش یافته و به این راحتی ها قابل بازگشت نیست، انواع عمل جراحی لاغری می تواند راه گشا باشد و سلامتی و وزن ایده آل را به فرد بازگرداند.



کتابخانه



۷۰ سال از انتشار بخش های از «دانشنامه علّانی» تصحیح محمد معین و محمد مشکوه گذشت

هراينگی تفلسف



حمیدرضا محمدي، روزنامه‌نگار

باید مر خادمان این مجلس بزرگ را کتابی تصنیف کنم به پارسی دری....

دانشنامه علانی

وقتی مقرر شد انجمن آثار ملی، آرامگاهی نو بر مزار شیخ الرئیس در همدان بنا کند تا برای آیین هزاره اش در اردیبهشت ۱۳۳۳ آماده شود، قرار شد تا آثارش نیز نشر یابد تا «یادگار جشن هزاره ابوعلی سینا» باشد. از همین رو در آغاز همان دهه، تصحیح و تنقیح بخش الیهات «دانشنامه علّانی» به محمد معین سپرده شد، چنان که بخش طبیعیات آن نیز به سیدمحمد مشکوه واگذار شد.

در آن زمان معین ۳۳ ساله، در جایگاه نخستین دکتری ادبیات دانشگاه تهران، در دانشکده ادبیات معلمی می کرد و در مؤسسه لغتنامه دهخدا، دستیار ارشد علامه بود و مشکوه ۵۱ ساله هم که نسخه پژوه و کتاب شناس مبرزی بود ۲۰ سال پیش تر کتابخانه شخصی اش را به دانشگاه اهدا کرده بود، در همان دانشکده تدریس می کرد. این اثر که در نیز فلسفه و شقوق آن است، از لحاظ زبان، نثر، درونمایه علمی، جایگاه آن در تفکر این حکیم ایرانی و تأثیر گذاری هایش در آثار سپسین به ویژه بر ناصر خسرو و بابا افضل کاشانی به لحاظ نگارش فلسفی و بر بهمنیار بن مرزبان در «التحصیل» و امام محمد غزالی در «مقاصد افلاک سه» در موضوع نوشتاری محل توجه فراوان است.

او که این مکتوب را در اصفهان و به فرمان ابوجعفر علاءالدوله، امیر آل کاکویه نگاشت، نخستین کتاب جامع در فلسفه به زبان فارسی در ایران، در دهه های پس از استیلای اعراب است و همین شاید مهم ترین ویژگی آن باشد. نثر ابن سینا سخت اما استوار است، شاید به این سبب که او در آن دوران از زندگی اش، در جدال با خود بود برای فارسی نگاری و مزاحمت هایی که زبان عربی به ناگزیر در ذهن و ریانش پدید می آورد، هر چند در پی آن نبود تا با جملات و عبارات کوتاه، مستقیم به اصل بپردازد و از حاشیه روی و حتی استفاده از ارائه های لفظی و صنایع ادبی پرهیز کند.

اهل دقت نوشته اند زبان پسر سینا که متأثر از گویش خراسان بزرگ بوده از آن جهت بسیار حائز اهمیت است و این برای اول بار بود که مفاهیم فلسفی که پیش تر از یونانی به عربی رفته بود، به فارسی در آمد و حتی می توان اینگونه نتیجه گرفت که معادل یابی های فارسی او نه صرفاً ترجمه، بلکه ادعای نام است که از توش و توان پیدا و پنهان زبان فارسی بهره برده است. برای مثال در مقابل قائم به ذات، «ایستاده به خود» و در برابر ضرورت و وجوب، «هر آینگی» مستند کرده است.

این اثر ۲۰ در سال ۱۳۳۱ یعنی ۷۰ سال قبل به طبع رسیدند اما انتشار بخش های دیگر این اثر حسین بن عبدالله بن سینا برای هزاره او به مقصود نرسید.

بوک مارک



زندگی و زمانه مایکل کی

جی. ام. کونیا
من شدم وسیله خیریه. هر جا میرم می خوان عمل خیر روم پیاده کنم. بعد از این همه سال هنوز شکل پتیم-هام. همه با من پچه های یا کاکاز دریف رفتار می کنن که بهشون غذا می دادن چون هنوز خیلی کوچیک تر از اون بودن که گاهی کرده باشن. از بچه ها فقط یک تشکر نوک زبونی توقع داشتن. از من بیشتر توقع دارن، چون بیشتر توی دنیا زندگی کردم. می خوان سفره دلمو پهن کنم و قصه به عمر زندگی تسوی قفس ها رو برانشون تعریف کنم. می خوان همه چی قفس هایی رو که توشون زندگی کردم بگم. انگار من مرغ عشق، موش سفید، یا میمون. توی هائیس نورنیوس به جای سبب زمینی پوست کنند یا جمع و تفریق. یاد گرفته بودم قصه تعریف کنم، اگر هر روز مجبورم می کردن قصه زندگیمو تعریف کنم و به دور دورها زل می زدم و خواب چیزایی رو می دیدم که هیچ وقت نمی توانستم داشته باشم، زندونایی که نگهبانا بهم فحش می دادن و با تپیا می فرستادند زمین شوری. وقتی قصه ام تمام می شد، ملت سرشون توکون می دادن و دلشون به حالم می سسوخ و حرص می خوردن. اما حقیقتش اینه که من باغیون بودم، اول واول شهرداری، بعدش واسه خودم، باغیونام بیشتر وقتشون دماغشون توی زمینه.

دیالوگ



ارباب حلقه ها

جهان تغییر کرده. من این را در آب احساس می کنم. در زمین احساس می کنم. این را در هوا استشمام می کنم. بسیاری چیزها که قبلاً وجود داشت، از دست رفته چرا که زندگان امروز هیچ کدام آن گذشته را به خاطر نخواهند آورد.

پیتر جکسون